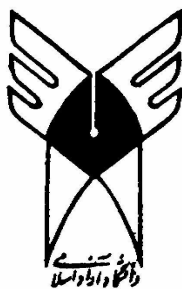


صلى الله عليه وسلم



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی ، گروه علوم ارتباطات اجتماعی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش تحقیق در ارتباطات

عنوان :
تحلیل انتقادی گفتمان فیلمهای مسعود کیمیایی

استاد راهنما :
دکتر تژا میرفخرایی

استاد مشاور :
دکتر محمدرضا رسولی

پژوهشگر :
فواد ظفر عبدالله زاده

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به :

خانواده ی مهربانم به ویژه پدرم که برای نخستین بار، اهمیت تفکر در باب انسان و جامعه را از او آموختم .

سپاسگزاری

با تشکر ویژه از استاد راهنما، دکتر تژا میرفخرایی که در انجام مراحل دشوار یک روش کیفی با توجه به فضای آموزشی ای که معرفت اثباتگرایی و تحقیقات کمی در آن وجه غالب را دارد از هیچ کمکی دریغ نفرمودند. و نیز با سپاس از استاد مشاور، دکتر محمد رضا رسولی.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **فواد ظفر عبدالله زاده** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۴۹۴۱۳۰۰ در رشته علوم ارتباطات اجتماعی - تحقیق در ارتباطات که در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان: **تحلیل انتقادی گفتمان فیلم های مسعود کیمیایی** با کسب نمره ۱۹/۵۰ و درجه عالی دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه‌تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۷

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای فواد ظفر عبدالله زاده از پایان نامه
خود دفاع نموده و با نمره ۱۹/۵۰ بحروف نوزده و پنجاه صدم
و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	چکیده
	فصل اول : کلیات	
۲	۱-۱ مقدمه	
۵	۲-۱ مساله و سوالات	
۹	۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق	
۹	۴-۱ هدف تحقیق	
۱۰	۵-۱ روش تحقیق	
۱۱	۶-۱ پایگاه اطلاعاتی	
	فصل دوم : ادبیات تحقیق ، چارچوب نظری و پیشینه ی تحقیق	
۱۳	مقدمه:	
	بخش اول : جهان -زیست ، صور عقلانیت و گفتمان در جهان - زیست	
۱۳	۱-۲ مفهوم جهان - زیست	
۱۸	۲-۲ عقلانیت جهان - زیست و تقابل آن با سنت	
۲۴	۳-۲ حوزه ی عمومی ، پیدایش آن و کنش ارتباطی	
۳۰	۴-۲ عقلانی شدن جهان- زیست و تقابل آن با نظام اجتماعی	
۳۷	۵-۲ گفتمان ، جهان- زیست و تحلیل انتقادی گفتمان	
	۶-۲ بخش دوم : عناصر جهان - زیست و گفتمان	
۴۰	۱-۶-۲ فرهنگ ، جامعه پذیری و ایدئولوژی	
۴۵	۲-۶-۲ فرهنگ ، دین و تحول در جهان- زیست	
۵۱	۳-۶-۲ جنسیت ، فرهنگ و گفتمان	
	۷-۲ بخش سوم : هنر در جامعه ، رسانه ی سینما ، جامعه ی در حال گذار ایران و مسعود کیمیایی	
۵۵	۱-۷-۲ رابطه ی هنرمند با جهان-زیست و نظام اجتماعی	
۶۴	۲-۷-۲ ارتباطات اجتماعی ، سینما و جایگاه آن	
۷۰	۳-۷-۲ مفهوم ژانر و مخاطبان آن	
۷۲	۴-۷-۲ تحلیل انتقادی گفتمان و کارایی آن در سینما	
۷۵	۵-۷-۲ جامعه ی در حال گذار ایران و سینما	
۷۹	۶-۷-۲ سینمای مسعود کیمیایی	
	۸-۲ بخش چهارم : چارچوب نظری و پیشینه ی تحقیق	
۸۳	۱-۸-۲ تحول در جهان زیست و جایگاه گفتمان یک فیلم ساز در آن	
۹۹	۲-۸-۲ پیشینه ی تحقیق	
	فصل سوم : روش شناسی	
۱۰۵	مقدمه :	
	۱-۳ بخش اول : تفاوت در فلسفه مشرف بر تحقیقات کمی و کیفی	
۱۰۵	۱-۳ تحقیقات کمی و اثباتگرایی	
۱۰۸	۲-۳ تحقیقات کیفی ، نگرش پست مدرن و نگرش انتقادی هابر ماس (مدرن)	

	۳-۳ بخش دوم: تحلیل گفتمان توصیفی و انتقادی
۱۱۴	۳-۳-۱ تحلیل گفتمان (رویکرد توصیفی)
۱۱۵	۳-۳-۲ دیدگاه ساختارگرایان و نقش گرایان در تحلیل گفتمان
۱۱۷	۳-۳-۳ تحلیل انتقادی گفتمان
	۳-۴ بخش سوم: رویکرد فرکلاف و روش مورد استفاده در این تحقیق
۱۳۰	۳-۴-۱ رویکرد فرکلاف در تحلیل انتقادی گفتمان
۱۳۶	سطوح تحلیل در رویکرد فرکلاف
۱۳۷	۳-۴-۲ توصیف
۱۴۳	۳-۴-۳ تفسیر
۱۴۹	۳-۴-۴ تبیین
	۳-۵ بخش چهارم: پایگاه اطلاعاتی، واحد تحلیل، ابعاد مفهومی
۱۵۱	۳-۵-۱ پایگاه اطلاعاتی
۱۵۱	۳-۵-۲ فلسفه ی مشرف بر واحد تحلیل در تحلیل گفتمان
۱۵۲	۳-۵-۳ ابعاد مفهومی تحلیل
۱۶۰	۳-۵-۴ تمرکز بیشتر بر دیالوگ در این تحقیق
	فصل چهارم: تحلیل انتقادی گفتمان پنج فیلم مسعود کیمیایی در پنج دهه
۱۶۳	مقدمه
۱۶۳	قیصر
۲۱۳	گوزنها
۲۳۸	دندان مار
۲۶۶	مرسدس
۲۸۶	محاکمه در خیابان
	فصل پنجم: نتیجه گیری
۳۰۷	یافته های حاصل شده از تحلیل انتقادی گفتمان هر یک از فیلمها
۳۱۷	پاسخگویی به مفاهیم مورد سوال در تحقیق
۳۲۶	نتیجه گیری کلی
۳۲۸	فهرست منابع

چکیده

جهان بینی موجود در گفتمان غالب در فیلمهای مسعود کیمیایی در طول پنج دهه، با استفاده از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، مورد تحلیل قرار داده شده است تا از این باب مشخص شود که جهان بینی موجود در این فیلمها می توانند در تحقق یک جامعه ی عقل محور، بر اساس مفهوم جهان - زیست عقلانی شده ی هابر ماس، موثر باشند یا در جهت عکس آن عمل میکنند و این داعیه از سویی با توجه به نقش جامعه پذیری رسانه ها (در اینجا فقط فیلم های یک فیلم ساز) و نیز از سویی دیگر با توجه به ماهیت گفتمان که در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، دارای رویکرد هست بیان شده است. کنش ارتباطی و حوزه ی عمومی، از نظر هابر ماس در جهان - زیست عقلانی شده، تحقق می یابند و تحقق جهان- زیست عقلانی با محوریت عقلانیت ارتباطی که آن نیز بر مبنای جنبه ی نقادانه ی عقلانیت مدرن است مستلزم تحول در جهان زیست سنتی به واسطه ی اعمال نقادی در آن می باشد زیرا در جهان زیست سنتی، نوعی از عقلانیت وجود دارد که فاقد جنبه ی نقادی است و کنش های ارتباطی ایدال در نظر این فیلسوف، بر مبنای عقلانیت انتقادی می باشند و مفاهیمی مانند حضور و مشارکت افراد در ارتباط، به صورت برابر و غیر رسمی (در این مطالعه این مفهوم، یعنی برابری در ارتباطات به برابری زن و مرد در بیان ایده و منزلت اجتماعی نیز تعمیم داده شده است) و شفافیت در ارتباط از عوامل قوام دهنده ی کنش های ارتباطی مذکور می باشند. گفتمان فیلمهای مسعود کیمیایی در طول پنج دهه از زمان فیلم قیصر تا محاکمه در خیابان، عمدتاً مفاهیمی مانند تاکید بر رجحان جنسیت مردانه بر زنانه در منزلت اجتماعی و نابرابری میان این دو را در ارتباطات در بر دارند و از طرفی ایده های پیشا مدرن در برخورد با بحرانها مانند قصاص در آنها، مورد تاکید قرار گرفته است و نوع ارتباطات میان فردی، عمدتاً بر مبنای تقابل میان سنتها انجام شده است نه مستقل از آنها و نیز به طور جدی ناقد آنها نمی باشند از این رو در گفتمان تالیفات این مولف نمی توان، مفاهیمی که در تحقق یک جامعه ی عقل محور بر مبنای جهان - زیست عقلانی شده می باید مورد جامعه پذیری افراد جامعه قرار گیرند را به طور با اهمیتی تشخیص داد و با توجه به طول این پنج دهه، تغییرات قابل توجهی در گفتمان تالیفات وی دیده نمی شود.

فصل اول
کلیات

مقدمه

نهادهای جامعه پذیری بر اساس آنچه در کتب مبانی جامعه شناسی آمده است عبارت اند از خانواده ، همسالان ، آموزش و پرورش و رسانه های ارتباط جمعی . منظور از جامعه پذیری و یا اجتماعی شدن، فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصیت خود آگاه ، دانا و ورزیده در شیوه های فرهنگی ای که در آن متولد گردیده است تبدیل می شود (گیدنز ۱۳۸۳ ص ۸۶) به عبارتی اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن فرد فرهنگ جامعه را درونی می کند به گونه ای که مبنای عمل فرد ارزشها و اعتقاداتی می شود که در نظام فرهنگی مشخص، به صور رفتاری گوناگون، مشروعیت می دهند. جامعه پذیری ، فقط محدود به دوران کودکی نیست بلکه در سراسر طول زندگی افرادی که درون جامعه زندگی می کنند ادامه دارد. اگر چه فرایند یادگیری در دوران بچگی و اوایل کودکی ، شدیدتر از دوره های بعدی است ، یادگیری و سازگاری در سراسر دوره زندگی ادامه می یابد (گیدنز ، ۱۳۸۳ ص ۸۶) در جامعه ی ایران از اواسط صده ی نوزدهم میلادی به واسطه ی پیدایش ارتباط میان بخشی از جامعه ی ایران با مغرب زمین ، در برخی از مبانی اعتقادی و هنجارهای فرهنگی ایرانیان ، تلنگری برای باز اندیشی و اصلاح ایجاد می شود هر چند به صورت محدود. ایده‌هایی نظیر عقلگرایی ، علم (در معنای تجربی) ، قانون و از جمله عوامل محرك در این زمینه محسوب می شده اند . آراء غربی به ویژه روشنگری فرانسه ، به آنان آموخت که تاریخ نه آن طور که روحانیون معتقد بودند نمایش ارداده ی خداوند ، و نه آن طور که وقایع نگاران در باره لاینقطع اظهار می کردند ظهور و سقوط سلسله ها ، بلکه بیشتر ، سیر مداوم پیشرفت بشر است (آبراهامیان ، ۱۳۷۷ ، ص ۵۶) در این تحقیق ، رسانه که در اینجا تمرکز بر روی رسانه ی سینما و آنهم فیلمهای مسعود کیمیایی از قیصر به بعد قرار گرفته است با توجه به این مهم که ایران، کشوری در حال توسعه و گذار از سنت به مدرنیته است ، به این معنا که نمی توان آن را یک جامعه ی سنتی ناب در نظر گرفت و از سویی نیز نمی توان با اطمینان آن را جامعه ای عقل محور بر مبنای جنبه ی نقادانه ی عقل مدرن دانست قصد خود را بر این قرار داده ایم که با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان ، رسانه ی سینما در فیلمهای مسعود کیمیایی را با توجه به نوع معرفت اجتماعی ای که در آنها انعکاس می یابد را مورد تحقیق قرار دهیم زیرا از آنجا که صور اعتقادی و نگرشهای موثر بر رفتار شهروندان را در جامعه ای در حال گذار ، مورد توجه قرار داده ایم، مفهوم (جهان زیست) می تواند در تعیین زمینه ای که متن از درون آن تولید می شود و به گونه ای آن را باز تولید یا نقد می کند را مشخص کنیم . جهان زیست به عنوان پس زمینه به عنوان منبعی برای تعاریف وضعیت به کار

می آید که مشارکت کنندگان آن را به عنوان غیر مساله دار پیش فرض می گیرند (هابرماس، ۱۳۸۴ص ۱۳۶) بر این اساس، پس زمینه، می تواند در صورت سنتی و یا عقلانی قرار گیرد، با عنایت به این مهم، جهان زیست را می توان به جهان زیست سنتی و جهان زیست عقلانی شده مورد نظر قرار داد در این تحقیق تلاش خود را بر این مبنا قرار خواهیم داد که صورت رفتاری موجود در فیلمهای کیمیايي که از طریق گزاره های زبانی، محاوره ها، واژه ها و نشانه ها که توسط بازیگران در سلسله مراتب مختلف قدرت و منزلت انعکاس می یابد را مورد تحلیل انتقادی گفتمان با توجه به رویکرد نظری مورد توجه مورد تحلیل قرار دهیم. بنا بر این، دو مقوله را می باید از هم تفکیک کرد، یک حصول آگاهی نسبت به معرفت اجتماعی که در این فیلمها با توجه به گذشت زمان از فیلم قیصر تا محاکمه در خیابان انعکاس می یابد و تشخیص تفاوت ها در آنها (اگر تفاوت وجود داشته باشد) بنابراین برای این امر از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، به عنوان متدولوژی، استفاده می شود و دوم آنکه، آنچه که در این فیلمها انعکاس می یابد را با مفهوم جهان - زیست و نظام اجتماعی و تحول در جهان - زیست سنتی، مورد قیاس قرار دهیم. در جامعه ی ایران برخی از حوزه های معرفتی و رفتاری مانند تساوی حقوق زن و مرد، دموکراسی و کثرت گرایی بر مبنی تساهل و مدارا، و..... که در بخش نظری به آنها خواهیم پرداخت از این منظر که به طور نهادینه، مورد پذیرش همه قرار گرفته باشند مورد تردید است. یعنی در آن کشمکش، میان ایده های نوین و سنت وجود دارد. از این روی، در چارچوب نظری از نظریات هابرماس، به عنوان فیلسوف و جامعه شناس مدرن استفاده شده است چرا که با عنایت به مفهوم تحول در جهان - زیست و نیز تقابل میان عقلانیت جهان - زیست و سنت، از نظر مولف این تحقیق می توان قیاسی را در مورد آنچه در فیلمهای مذکور انعکاس می یابد رابا آنچه در این نظریه، برای عقلانی شدن جامعه (در مفهوم عقلانیت ارتباطی) مطرح می شود را انجام دهیم تا مشخص شود که گفتمان به کار گرفته شده در این فیلمها، یعنی گفتمانی که وجه غالب را در این فیلمها دارا می باشد در راستای تحول مذکور به چه صورتی عمل می کنند. از طرفی مفهوم (نظام اجتماعی) در نظریه ی هابرماس دارای مفهومی منفی است و در تقابل با عقلانیت جهان - زیست می باشد. براساس توضیحات وی، شاید بتوان گفت، او عقلانیت نظام اجتماعی را هنجارها و عقلانیت متبلور در دولت می داند که قبلا آن را "عقلانیت اقتصادی و اداری"، "عقلانیت ابزاری" یا "عقلانیت استراتژیک" نامیده است. (عبدالهیان و اجاق، ۱۳۸۵) به این صورت که قدرت و پول، در آن از عوامل تعیین کننده ی توافقها می باشند نه خرد ارتباطی. از این رو، نظام اجتماعی، با عقلانیت جهان زیست در تقابل می باشد. فیلمهای مذکور نیز می توانند نسبت به نقد صورت موجود در نظام اجتماعی عمل کنند یا در جهت مشروعیت دهی به آن. اینها دغدغه هایی می باشد که در طی تحقیق و با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان، در تعیین چیستی ای که در فیلمها، انعکاس می یابد و سپس، تأمل بر تأثیر آن بر تحول جامعه به آنها پاسخ گفته می شود اما منظور از (تأمل بر تأثیر آن بر جامعه) از منظر تئوری مورد نظر می باشد. و از طرفی، متغیر زمان نیز در این فیلمها مورد نظر می باشد تا تغییرات را (اگر وجود داشته باشند) مشخص کنیم.

مساله و سوالات

رسانه ، در این تحقیق ، رسانه ی سینما ، آن هم فیلم های مسعود کیمیایی ، حوزه ی فرهنگی ، معرفتی و جهان بینی ای را مانند سایر فیلمها در محتوای خود انعکاس می دهند . ما می توانیم بگوئیم مثلا فیلم ترمیناتور که یک فیلم تجاری است فاقد معرفت یا جهان بینی خاصی است ؟ آیا ارزشهای آمریکایی در آن انعکاس نمی یابد ؟ در اینجا مراد بر آن نیست که ثابت کنیم ، فیلم ترمیناتور ارزشهای جامعه ی آمریکایی یا جهان بینی کاپیتالیسم را به صورت پنهان و آشکار در خود انعکاس می دهد یا ارزشهای جهان بینی های دیگر را ، بلکه مولف ، نویسنده ، فیلمساز از خلاء اقدام به تولید نمی کند .

مولفه های فرهنگی ، ایدئولوژیکی ، دینی ، و... به هر میزان ، در فیلم انعکاس می یابند ، چنان چه عقل سلیم ، یا عنایت به عقل سلیم نمی تواند چیز دیگری را که فاصله ی عمیقی با این داعیه ی بیان شده دارد را مشخص کند . بنابر این در این باره که یک فیلم ، چه می گوید ، و آنچه که می گوید ، چه تولید میکند و یا اینکه آنچه که می گوید چه را حفظ و تثبیت می کند می توان با عنایت به مقوله ی فرهنگ ، معرفت و یا شناخت ، به بررسی این موضوع پردازیم که آنچه که در یک فیلم ، انعکاس می یابد چه حوزه ی از جهان بینی یا معرفت را در بر میگیرد . بنابراین در اینجا مساله ی اصلی ، مشخص کردن جهان بینی یا معرفتی می باشد که در سینما ی مسعود کیمیایی انعکاس می یابد . بنا به آنچه در تاریخ مکتوب موجود می باشد جامعه ایران ، از چیزی حدود بیش از صد سال پیش به این سو ، با پیدایش خرده فرهنگ مدرن گرا و گسترش ارتباط با غرب ، برخی از مولفه های حوزه ی معرفتی سنتی اش مورد نقد و تردید قرار گرفته است . عرضه ی اندیشه ها و توجیهات جدید وسیعی در غلبه بر اندیشه سنتی که کار اصلی روشنفکران مدرن ایران از اواخر قرن نوزدهم به بعد بوده است و کوشش جهت تلفیق اندیشه نو و قدیم به سبکی که توجیهات فکری تحولات جدید را فراهم سازد . (بشیریه ، ۱۳۸۲ص ۱۳۶) بنابر این می توان این داعیه را مورد بحث قرار داد که با توجه به ایجاد ایده های متفاوتی در درون یک جامعه ، گرایش هایی در جهت تحقق و توسعه ی آن ها ایجاد می شود و از سویی ، بانیان عناصر معرفتهای پیشین ، در جهت حفظ آنچه که بوده است به مقاومت و تقابل با ایده های معرفتی نوین می پردازند بنابر این می توان جامعه ی ایران را جامعه ای در حال گذار از سنت به مدرنیته در نظر گرفت زیرا در برخی از حوزه ها در جامعه ی ایران ، نگرش های سنتی ، در عین وجود سازمانها و موسسات مدرن از مصداق برخوردار می باشند مانند داعیه هایی که در مورد حقوق زن و مرد و نسبت نابرابر آن مورد تاکید قرار می گیرد ، قتل های ناموسی که با عنایت به سنت مردانه توجیه می شود که آمار های آن در جرایم موجود است و شیوه های ارتباطات عمودی و غیر دموکراتیک (گفته شد در برخی از حوزه ها نه به طور کلی) اما در مورد گذار جامعه به یک جامعه ی عقل محور که در آن عقلانیت ارتباطی مورد نظر هابر ماس ، تحقق یابد می باید تغییراتی در معرفت جامعه ، صورت گیرد بنابر این برای بررسی حوزه ی معرفت ، می توان از مفهوم جهان - زیست استفاده کرد . جهان- زیست ، بستر اصلی

جهان بینی را تشکیل می دهد (قادری ۱۳۸۷ص ۱۲۲) بنابراین ، جهان زیست می تواند سنتی باشد یا عقلانی و عقلانی شدن جهان زیست مستلزم ، گسترش رویه های انتقادی نسبت به جهان زیست سنتی می باشد (عبدالهیان واجاق ۱۳۸۵) بنابراین این ، آنچه که درگفتمان یک رسانه مانند فیلم ، انعکاس می یابد ، می تواند سبب نقادی به برخی از مولفه های سنتی شود یا قوام دهنده ی آنها شود و این مساله را می توان با توجه به نقش جامعه پذیری رسانه ها مورد بررسی قرار داد زیرا رسانه ها یکی از نهادهای جامعه پذیری هستند پس در اینجا مساله ی تحقیق این می باشد که فیلم های مسعود کیمیایی از منظر گفتمان هایی که در آنها انعکاس می یابند ، چه نوع جهان بینی یا معرفت اجتماعی ای را در خود انعکاس می دهند . بنابراین این ، رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان ، به عنوان متدولوژی برای پی بردن به بستر معرفت ای که در فیلمهای مذکور مورد استفاده قرار می گیرد (در این پژوهش) در دور نمایه ی خود بحث نقد را نیز در بر دارد . تحلیل گران انتقادی گفتمان ، مفاهیمی چون قدرت وایدئولوژی را نیز وارد تحلیل گفتمان کردند و بافت کاربرد زبان را با بافت های وسیع اجتماعی و فرهنگی ربط دادند (سلطانی ، ۱۳۸۴ص ۳۱) با توجه به این رویکرد به عنوان روشی که در تحقیق مذکور برای پی بردن به چابستی معرفت با عنایت به مفهوم جهان زیست به کار میرود کاربرد اجتماعی زبان ، با توجه به بافت های وسیع اجتماعی و فرهنگی ، مورد بررسی قرار می گیرد . معرفت امریست اجتماعی ، به این معنا که انسانها در جهان بینی های متفاوت انسانهای متفاوتی می شوند که البته این امر کلی نیست در این رابطه می توان به رابطه ی میان دانش و عمل اجتماعی پرداخت . در چارپوب یک جهان بینی خاص ، بعضی از اشکال عمل و رفتار ، طبیعی می شوند و بعضی دیگر غیر قابل تصور ، فهم های اجتماعی متفاوت درباره ی جهان منتهی به کنش های اجتماعی متفاوت می شوند و در نتیجه ، ساخت اجتماعی دانش و حقیقت دارای پیامدهای اجتماعی است (بر و گرگن به نقل از سلطانی ۱۳۸۴ ص ۳۷) در این باره می توان باورهای فرهنگی که کنش های مخصوص به خود را سبب می شوند را مورد تامل قرار داد آنچه ما ان را به عنوان بستر اصلی جهان بینی در نظر گرفته ایم ، جهان زیست ، وظایف خاصی را برای هر یک از جنس ها درونی می کند برای نمونه ، پخت وپز برای زن در جامعه سنتی ایران امری طبیعی قلمداد می شده است که در واقع این یک نقش اجتماعی است که نظام باور های ما ایرانیان ، ان را طبیعی جلوه می دهد . در این امر ، زبان وگفتمان بی تاثیر نمی باشند .بنابر این زبان وگفتمان ، در ایجاد و حفظ نابرابریها دخیل هستند ، در همین خصوص ، فرکلاف ، (۱۹۸۹) دو هدف اصلی تحلیل انتقادی گفتمان را چنین بیان میکند : یک کمک به (تصحیح این کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید و حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت) و دو (کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارند ، زیرا که هشیاری اولین گام به سوی رهایی است) (به نقل از سلطانی ۱۳۸۴ص ۳۲) در اینجا گفته شد که زبان در تولید ، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت ، نقش دارد وهدف از تحلیل انتقادی گفتمان ، آگاهی به منظور رهایی ، بیان شد . در اینجا تحلیل انتقادی گفتمان با توجه به مولفه های تولید ، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت ، می تواند در رابطه با مفاهیمی که در رسانه

مانند سینما انعکاس داده می شوند کارکرد های ویژه ی خود را ایفا کند. اما گفته شد که در این مطالعه در پی شناخت جهان بینی در فیلمهای مسعود کیمیایی می باشیم که بر این مبنا مفهوم جهان - زیست و تحول در آن مورد عنایت واقع شده است. و گفته شد که باگسترش رویه های انتقادی ، نسبت به عناصر موجود در جهان زیست سنتی عام تحول در آن صورت می گیرد. از این رو سینمای کیمیایی فقط به عنوان یک عامل از میان سایر عوامل که می تواند در جامعه پذیری موثر باشد (بحث ان امد) از این منظر که چه گوید ؟ گفتمان تولید شده در آن ، سنت را باز تولید می کند و یا کنشهای عقلانی را ؟ می تواند در گذار جامعه در جهت تحقق جهان - زیست عقلانی ، فقط به عنوان یک عامل از میان عوامل دیگر موثر باشد. و همچنین ، طول زمان در زندگی هنری این فیلمساز در آنچه انعکاس می دهد نیز با توجه به رابطه ی کاربرد زبان در بستر های وسیع اجتماعی ، دارای اهمیت می باشد از این منظر که وجود یا عدم وجود تغییر در گفتمان تالیفات این فیلمساز مورد نظر می باشد. بنابراین این ، سوالات زیر را مورد توجه و بررسی قرار خواهیم داد .

۱- با توجه به متن فرهنگی ای که به موجب عقلانیت سنتی در جهان زیست - سنتی ایران در حال گذار وجود دارد ، فیلمهای مسعود کیمیایی با توجه به پایگاه اطلاعاتی ای که در این تحقیق مد نظر قرار گرفته شده است ، مولفه های خشونت غیر قانونی ، قصاص در مفهوم فراقانونی ، از طریق نشانه ها و صور زبانی در قالب گفتمان بکاربرده شده توسط بازیگران در سلسله مراتب مختلف قدرت و منزلت اجتماعی را انعکاس میدهد ؟

۲- جایگاه و منزلت اجتماعی و فرهنگی زن و مرد در این فیلمها به يك نسبت با توجه به نشانه ها و گفتمان های موجود در آنها انعکاس می یابد ؟

۳- تساهل گرایی و عقل گرایی در برخورد با مشکلات در این فیلم ها با توجه به نشانه ها ، گزاره های زبانی، واژه ها و یا به عبارت کلی در گفتمان های قالب در آنها ، انعکاس می یابد ؟

۴- ارتباطات میان فردی ای که مابین شخصیت های محوری روایت ها شکل می گیرد بر مبنای مولفه های ملحوظ در کنش ار تباطی در جهان - زیست عقلانی شده می باشند ؟

۵- این فیلم ها به گذار جامعه ی ایران به يك جامعه ی عقل محور بر اساس عقلانیت مورد نظر (یوگن هابرماس) کمک می کند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق در آن است که از طرفی با متدولوژی تحلیل انتقادی گفتمان، معرفت اجتماعی ای که در این فیلمها انعکاس می یابد مشخص شود و از سویی، آن را با مفهوم عقلانی شدن جهان - زیست و کنش ارتباطی مد نظر هابرماس مورد قیاس قرار دهیم. به این صورت که مشخص شود که گفتمان غالب این فیلمها، آنچه می گویند در جهت تداوم برخی از مولفه های سنت است یا آنکه ناقد آن هستند از این رو در ایجاد آگاهی به معرفت بازنمایی شده در این فیلمها و پیامدهای احتمالی آن در جامعه با توجه به تئوری مذکور می تواند موثر واقع شود. با توجه به این مهم که طول زمان در تولیدات این فیلم ساز مورد نظر قرار گرفته است. یعنی از زمان ساخت فیلم قیصر در دهه ی ۱۳۴۰ تا محاکمه در خیابان در دهه ی ۱۳۸۰، بنابر این با استفاده از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان می توان وجود و یا عدم وجود تغییرات را در گفتمان تالیفات این فیلم ساز را مورد تشخیص قرار داد.

هدف تحقیق

با پرداختن به گفتمان از طریق گزاره های زبانی، جملات و واژه هایی که بازیگران در نقشهای خود با توجه به سلسله مراتب قدرت و منزلت ارائه می دهند نشان دهیم که متن چه مضامینی را در خود دارد و چه مولفه هایی را می خواهد چه به طور دانسته و چه به طور نادانسته بازتولید کند. آگاهی از این روند می تواند در کارگزاران ارتباطی در مقام تولید کننده (بخشی از این فرایند) مخاطبان در مقام تائیر پذیرندگان و منتقدان در آشنایی و اشراف به ماهیت اینگونه نقشها و کاربرد گفتمان در متن های مورد نظر موثر واقع شود. از این رو با آگاهی از برخی از مولفه ها که در متن این گونه فیلمها می تواند بازتولید شود و روند تحقق جامعه ای مبتنی بر عقل انتقادی را با اختلال مواجه کند ممکن است این نتیجه را به بار بیاورد که مخاطبان کمتر تائیر بپذیرند و یا اینکه برخی از کارگزاران ارتباطی در تولیدات سینمایی خود تاملات بیشتری را انجام دهند. و از طرفی ممکن است که گفتمان غالب در این فیلمها، به گونه ای دارای کارکرد انتقادی و خلاقانه در جهت تغییر باشد به همین منظور تغییرات را در طول زمان که در آثار این فیلمساز ممکن است ایجاد شده باشد نیز با رویکرد (پانل) مشخص می شود.

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به مساله و سوالات تحقیق از روش تحلیل انتقادی گفتمان برای پی بردن به چیستی آنچه که در متن فیلمهای مورد نظر در پایگاه های اطلاعاتی، انعکاس داده شده است استفاده می شود. تحلیل انتقادی گفتمان، رویکردی کیفی می باشد. و دلیل عمده ی استفاده از آن

در این مهم می باشد که کارایی روشی کیفی، در جامعه ی در حال گذار خود را در جهت یافتن شناختی دقیق تر از چیستی متن های مورد تحقیق با توجه به فرهنگ و تحولات اجتماعی

را به دلیل انعطاف پذیری این روش ها در علوم اجتماعی را مناسب تر تشخیص داده ایم . بر این مبنا از تحلیل انتقادی گفتمان و به طور مشخص از رویکرد (نرمن فرکلاف) برای انجام تحلیل انتقادی متون مورد نظر استفاده می شود . در این روش ، تحلیل گفتمان در سه سطح انجام می پذیرد، توصیف ، تفسیر و تبیین . توصیف ، مرحله ای است که به ویژگی های صوری متن با توجه به جنبه مورد بررسی (مضامین ، روابط ، فاعلان) پرداخته می شود. تفسیر : مرحله ای است که با استفاده از ویژگیهای صوری که در مرحله پیشین مشخص شده است گزاره های تلویحی و رابطه متن با ذخایر و منابع اجتماعی را آشکار می سازد . تبیین : رابطه ی میان متن و ساختارهای اجتماعی ، رابطه ای دوسویه است یعنی هم نشان دهنده ی ساخته شدن گفتمان توسط ساختارها و بازتولید ساختارها از خلال گفتمان هاست و هم تاثیر خلاقانه گفتمان است در تغییر ساختارهای اجتماعی (اباذری و میلانی ص ۱۰۰) به این ترتیب متون مورد تحقیق بررسی می شوند و از سویی برای پی بردن به تغییرات در طول زمان در فیلمهای مورد نظر ، از رویکرد پائل استفاده شده است.

پایگاه اطلاعاتی

بر این مبنا که این مطالعه یا تحقیق ، تحلیل انتقادی گفتمان می باشد و هدف در آن تعمیم یافته ها نمی باشد بلکه گفتمان تالیفات یک فیلم ساز در طول پنج دهه با هدف مشخص کردن جهان بینی های موجود در آنها با توجه به نظریه ی مطروحه در تحقیق می باشد از نمونه گیری نظری استفاده شده است . در واقع در ((نمونه گیری نظری)) محقق برای دست یابی به مقولات عینی که مبین نظریه باشند به انتخاب نمونه هایی دست می زند ، ملاک پایان یافتن نمونه گیری در این روش ، ((اشباع نظری)) مقولات است (استراس و کربین به نقل از اباذری و میلانی ص ۱۱۰ و ۱۱۱) از این باب و نیز باتوجه به این مهم که جنبه ی پائل هم برای این مطالعه ، قائل شده ایم کلیه ی فیلمهای مسعود کیمیایی از زمان ساخت فیلم قیصر در سال ۱۳۴۸ تا فیلم محاکمه در خیابان در ۱۳۸۸ در جامعه ی آماری ما قرار گرفته اند و با توجه به اینکه از زمان ساخت فیلم قیصر در دهه ی ۱۳۴۰ تا محاکمه در خیابان در دهه ی ۱۳۸۰ چیزی حدود پنج دهه را در بر می گیرد از هر دهه یک فیلم انتخاب شده است به این صورت که قیصر از دهه ی ۱۳۴۰ ، گوزنها از دهه ی ۱۳۵۰ ، دندان مار از دهه ی ۱۳۶۰ ، مرسدس از دهه ی ۱۳۷۰ و محاکمه در خیابان در دهه ی ۱۳۸۰ مورد انتخاب برای تحلیل قرار گرفته اند.

فصل دوم
ادبیات تحقیق، چارچوب نظری و پیشینه ی تحقیق

مقدمه

در این فصل ، مفاهیمی که مرتبط با چارچوب نظری هستند در ادبیات تحقیق مورد طرح و تشریح قرار می گیرند و سپس به تشریح چارچوب نظری ، تحت عنوان تحول در جهان زیست و جایگاه گفتمان یک فیلم ساز در آن پرداخته می شود و در انتها در بخش پیشینه ی تحقیق ، دو تحقیق که در آنها رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در مورد فیلم و رسانه ی سینما انجام شده است را ارائه خواهیم داد.

بخش يك: جهان – زیست ، صور عقلانیت و گفتمان در جهان - زیست

مفهوم جهان - زیست :

در مورد اصطلاح جهان – زیست ، در رابطه با علل استفاده و کاربرد آن توسط (یورگن هابرماس) ، و جایگاه عقلانیت انتقادی ، در قسمت بعدی این فصل ، مورد توضیح و تشریح ، قرار خواهد گرفت در قسمت فعلی ، تعاریف کلی جهان زیست ، مورد مذاقعه قرار می گیرد . عنایت به معانی موثر بر رفتار و چارچوبهای معرفتی ای که تفکر و کنشهای اجتماعی در آن مفهوم پیدا می کند در مورد اصطلاح جهان – زیست می تواند راه گشا باشد (تاکید از من است) چنانچه در جریان ارائه ی تعاریف پدیده ی مورد نظر ، تاکید مذکور ملموس تر در رابطه با مفهوم اصطلاح جهان – زیست خواهد شد.

(هابر ماس) بیشتر از گرامشی ، لوکاچ یا دیگر مارکسیستهای قبلی ، به نفي رابطه ی جزمی و یکسویه ی میان آنچه زیر بنای تولیدی و مناسبات روبنایی گفته می شود، تمایل داشت. و این وضعیت در اصطلاح جهان – زیست که هابر ماس بکار میبرد به خوبی آشکار می سازد(قادری ۱۳۸۰ ص ۱۲۳، ۱۲۲) در واقع ، نهاد های روبنایی مانند فرهنگ ، خانواده ، دین و در اندیشه ی اصحاب فرانکفورت کمتر در معرض تاثیر يك سويه ، توسط زیر بنای اقتصادی قرار دارند . اصطلاح جهان - زیست ، این رویکرد را به گفته ی دکتر حاتم قادری در منبع مذکور مشخص می کند بنابر این با توجه به نهادهای روبنایی مانند فرهنگ ، ذهنیتهای اجتماعی موثر بر رفتار اهمیت ویژه ای می یابند در اینجا ارائه ی تعاریف (ماکس وبر) در رابطه با معنا و رفتار ، به عنوان زمینه ای که بتوان تا حدی به درك اصطلاح مورد نظر کمک کند می تواند راه گشا باشد . این جامعه شناس در رابطه با مفهوم اجتماعی رفتار چنین می گوید ، کردار ، فقط تا زمانی ((رفتار)) انسانی تلقی می شود که فرد یا افراد عامل ، به نوعی کنش که دارای معانی ذهنی است دست می زنند (۱۳۶۷ص ۳۳) تعریف مذکور از وبر ، رفتار را پدیده ای بر گرفته از معنا د در نظر می گیرد بر این مبنا ، وجه تمایز رفتار اجتماعی از

رفتار غیر اجتماعی ، معانی موثر بر رفتار می باشد. اصطلاح ((رفتار اجتماعی)) را در مورد فعالیت‌هایی بکار خواهیم برد که بر حسب معنا و مقصودی که افراد عامل ، برای آن قائل هستند با رفتار دیگران مرتبط باشد و بر اساس آن جهت‌گیری شود (همان ص ۳۳) مفهوم جهان - زیست ، نیز بی ارتباط با پدیده‌های موثر بر رفتار مانند معانی فرهنگی و..... نمی باشد به این ترتیب که جهان زیست ، بستر اصلی جهان بینی را تشکیل می دهد (قادری ۱۳۸۰ ص ۱۲۲) . در تعریف ارائه شده از دکتر حاتم قادری ، جهان - زیست به عنوان بستر اصلی جهان بینی در نظر گرفته شده است بر این مبنا ، می توان پیوند میان این مفهوم را در رابطه با معانی موثر بر رفتار را مورد تامل قرار داد به هر جهت نوع نگاه انسان به جهان و باورها ی او بر مبنای تعریف مذکور از بستری به نام جهان - زیست نشأت می گیرد در واقع جهان - زیست با مفهوم جهان اجتماعی و نه جهان عینی در ارتباط می باشد

چنانچه تعریف هابر ماس در کتاب دو جلدی کنش ارتباطی می تواند تا حدودی راه گشایی درك مفهوم مورد نظر در رابطه با معانی موثر بر رفتار باشد (تاکید از من است) جهان - زیست از يك سلسله از باور های پس زمینه کم و بیش اشاعه یافته و همواره غیر مساله دار ساخته شده است. جهان زیست به عنوان پس زمینه به عنوان منبعی برای تعاریف وضعیت به کار می آید که مشارکت کنندگان ، آن را به عنوان غیر مساله دار پیش فرض می گیرند . افراد متعلق به يك جمع ارتباطی در کار تفسیری خود بین جهان عینی و جهان اجتماعی بین اذهانی خود با جهان ذهنی دیگر افراد و جمع ها ، جمع بندی می کنند (هابرماس ۱۳۸۴ ص ۱۳۶) در این تعریف از هابر ماس ، چند عبارت کلیدی وجود دارد به این ترتیب (باورهای پس زمینه) (غیر مساله دار) (منبعی برای تعریف وضعیت) (جهان عینی و جهان اجتماعی بین اذهانی) (جهان ذهنی دیگران) (مرزبندی) فاعل عبارت های مطرح شده به جهان زیست بر می گردد . در مورد عبارت اول ، همانگونه که در ابتدای بحث ، به نقش محوری معنا و ذهنیت های موثر بر تفکر و رفتار اشاره شد در این تعریف ، می توان گفت که منظور از يك سلسله از باورها ی پس زمینه به مقولات یاد شده باز می گردد مانند باوری که در يك جامعه ی سنتی یا قبیله ای ، به پیروی از راس خانواده یا قبیله را در نهاد خانواده یا جامعه ی مذکور در صور رفتاری مختلف ، توجیه می کند . یا باوری که به موجب آن ، معمولا ، پدیده ی طلاق برای شرقیها ، مشکل تر و مساله دار تر نسبت به غربی ها صورت می گیرد در اثبات مدعی مذکور در مورد طلاق به عنوان رفتار یا پدیده ی اجتماعی ای که از معانی ذهنی اجتماعی ، نشأت می گیرد تصویری که در صفحه ی ۴۴۰ کتاب جامعه شناسی آنتونی گیدنز ، وجود دارد تا حدی موضوع را روشن خواهد کرد . و اما عبارات غیر مساله دار ، منبعی برای تعاریف وضعیت و سه عبارت ذکر شده ی دیگر را درباره ی هر يك از مثالهای بیان شده و ارتباط آن با اصطلاح جهان - زیست را می توان مورد تامل قرار داد . اطاعت از امر پدر ، یا سنت در يك جامعه ی سنتی ، غیر مساله دار است . پرسشگری از نهاد حاکمیت ، برای افرادی که در جوامع دموکراتیک اجتماعی شده اند ، نسبت به افرادی که در جوامع سنتی اجتماعی شده اند ، از میزان مساله دار بودن یکسانی برخوردار نیستند. یا در مورد عبارت (منبعی برای تعاریف وضعیت)